

## دانش نامهٔ دین

کسانی که به نوعی دست‌اندرکار مطالعات در زمینهٔ ادیان و مذاهب اسلامی‌اند به خوبی با تنگناها و محدودیت‌های این حوزهٔ مطالعاتی آشنايند. یکی از این تنگناها نبود منابعی گویا و قابل استناد به زبان فارسی است که اطلاعات کلیدی مورد نیاز دین‌پژوهان را به سبک دانش‌نامه‌های معتبر در اختیار قرار دهد. از این‌رو بر آن شدیم با ضمیمه کردن بخش دانش‌نامهٔ دین، در حد توان خود پاسخ‌گوی نیازهای تحقیقی و ارجاعی دین‌پژوهان و خوانندگان هفت‌آسمان باشیم.

این بخش دربردارندهٔ مدخل‌های مربوط به ادیان مختلف است خواه جهانی باشند یا ابتدایی و محدود، توحیدی باشند یا غیرتوحیدی، و عالمانه باشند یا مردمانه. در این بخش به دور از هر نوع گزینش و محدودیتی، به مباحث زبانی، اسطوره‌ها، بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، دین - فلسفه‌ها، عرفان‌ها، آیین‌ها، آداب و هنرهای دینی در معنای گسترده‌شان خواهیم پرداخت. مبنای گزینش ما تنها نیازهای محققان ادیان و مذاهب و نبود منابع متقن و جامع به زبان فارسی در آن زمینهٔ خاص است. در ابتدا نمایی کلی از ادیان و مذاهب ارائه خواهیم کرد و سپس عهده‌دار تبیین مدخل‌های محتوایی و جزئی خواهیم شد.

## آیین بودا

هاجیمه ناکامورا (دانشنامه ژاپن)

ع. پاشایی

نبود و نظام سنتی کاست (cast) رو به زوال گرایید. تا آن زمان طبقه روحانی برهمن (Brahman) بالاترین لایه یک جامعه اساساً کشاورزی را اشغال کرده بود، اما به تدریج جایش را طبقه جنگاور (کشتریه Kshatriya) می‌گرفت و توانگران قدرت اجتماعی زیادی به چنگ آوردند. عام مردم گرایش به علایق مادی پیدا کردند و اخلاق عمومی به فساد گرایید. اندیشه‌مندان بت‌شکن بسیاری پیدا شدند، که ارج و ارزش آیین‌گرایی برهمنی را نفی و مرجعیت وداها (Veda) را رد می‌کردند. برخی برهمنان در دفاع از خود با باورهای عامیانه سازش کردند؛ دیگران سفت و سخت به اعمال درست‌پندارشان (ارتودوکس) چسبیدند. علاوه بر این، اندیشه‌مندان دیگر نظرهایی آوردند که بر مادی‌گری، نسبت‌گرایی اخلاقی، جبر و شکاکیت تأکید می‌کردند. یکی از «شش استاد» معروف که در آن زمان فعال بودند، نیگنته ناتّه پوئه بود (که به مهاویزه هم معروف است) که بنا بود بعدها اثر عمیقی روی اندیشه و فرهنگ هندی داشته باشد.

فیلسوفان درگیر جزو بحث‌های بی‌پایانی بر سر مسائل متافیزیکی شدند که در نهایت پاسخی برای آن‌ها نداشتند: آیا جهان متناهی است یا نامتناهی؟ آیا تن و روان یکی‌اند یا

□ آیین بودا\* Buddhism، (ژ. : بوکیو (Bukkyo).

بنابر سنت، سیدارته گئوتمه، بنیادگذار آیین بودا، در حدود ۴۴۶ ق م به عنوان اولین پسر شوودونه شاه از قبیله شاکیه در دژ کپیله وستو، واقع در مرکز قلمرو قبیله، در نیال کنونی به جهان آمد. اما برخی دانشمندان تاریخ این تولد را یک قرن پیش از این می‌دانند. هر چند که سال‌های آغازین عمرش در ناز و نعمت می‌گذشت اما خشنود نبود. نگران مشکل کل هستی انسان بود، و در ۲۹ سالگی در پی یافتن پاسخ این مشکل از خانه به بی‌خانگی رفت. پس از شش سال ریاضت‌کشی، در بوداگایا زیر درخت بو بودا شد (یعنی «کسی که چشمش به حقیقت باز شده»). از آن پس، تا زمان مرگش در کوشینارا در هشتاد سالگی، در سراسر هند مرکزی سفر کرد و معرفتش را بشارت داد. او به نام افتخارآمیز شاکیه‌مونی (دانای خاموش یا مقدس قبیله شاکیه) معروف شد.

آیین بودای آغازین — در حدود قرن ششم ق م در حوزه مرکزی رود گنگ و هند شرقی، چند ملت کوچک به وجود آمدند و هر یک در شهر نسبتاً بزرگی متمرکز شدند. اغلب این‌ها شاه بودند، اما چندتایی یک شکل حکومت متحد و یک اقتصاد پولی ایجاد کردند؛ تجارت و صنعت رونق گرفت و مردم توانگر شدند. قدرت آیین برهمنی چون پیش

\* کونه‌نوشت‌ها: پا، بالی؛ ج: چینی؛ سن: سنسکرت؛ ژ: ژاپنی



بودای ایستاده، مرمسیاه، موزهٔ ملی هند، دهلی‌نو.  
یک نمونهٔ نوعی بودای گندهازه.

دستخوش نپابندگی (سن: اتیت یه anitya؛ ژ: مؤجؤ mujō) است. از این رو، ادعای تعلق چیزی به خود و یا اظهار این که خودی (سن: ات‌من ātman) هست ناممکن است. بوداییان هستی ات‌من را، که موضوع شناختِ اوپنیشدها (Upanishad) و سایر مکاتب فلسفی است، و نیز دویی میان جهان ذهنی و عینی را انکار می‌کردند. بنا بر نظر آنان، دژمه‌های گوناگونی بر هستی بالفعل حکمروایی دارند؛ در واقع، تمام باشندگان با مقید و مشروط شدن از طریق علت‌های بی‌شمار به هستی می‌آیند. وجود پریشان و دردآلود ما از علت‌های گوناگون ریشه می‌گیرد، و اگر آن علت‌ها خاموش شوند،

جدا از همنده؟ آیا انسان پس از مرگ زندگی می‌کند یا نه؟ گژؤمه، که از یک‌سو یکی و سرشتِ نسبی این نظام‌های متناقض اندیشه خوب آگاه بود، اظهارداشت که چنین مسائلی متافیزیکی بی‌معنا است. او به جای آن که پس از رسیدن به روشن‌شدگی از جهان رو بگرداند بر آن شد که به مردم رو کند و حقیقتی را به آنان بیاموزد که از این‌گونه جزو بحث‌های متافیزیکی پُرکشاکش فراتر می‌رفت.

آیین بودا، در شکل آغازینش، به تعیین هیچ‌یک از جزم‌های خاصی که دین‌گرایان حرفه‌ای عموماً بر آن‌ها تأکید می‌کردند نپرداخت. آیین بودا می‌کوشید تا به تعلیم دژمه (Dharma) اشاره کند که «قانونِ جاویدِ راستین» یا «هنجارِ پاینده» است که در تمام عصرها برای انسان معتبر است. بنابر تعالیم بودایی، ذات یا حقیقتِ دین (دژمه) نباید به یک مجموعهٔ خاصِ آموزه‌ها و اعمال محدود شود. حقیقتِ کلی و جهانی از باورهای متخاصم فراتر می‌رود و دربارهٔ همه کاربرد دارد. بدین ترتیب، آموزهٔ بودایی یک جزم خاص و مستقر نیست بلکه یک فرزاندگی یا اخلاقی عملی است که حالتِ آرمانی انسانیت را به ما مژده می‌دهد. هدف آیین بودا فراتر رفتن از جزمِ خاصِ هر مکتبِ اندیشه است.

زندگی در نظر گژؤمه رنج (سن: دوگه dukkha) است، و انسان در برابر آن بی‌چاره است. رنج را از آن رو تجربه می‌کنیم که نتیجهٔ شرط‌ها و علت‌های همیشه‌متغیر است؛ هستی انسان همیشه در جریان است و

زهروان یا زهبانان و «پیش‌نشینان» یا پیروان غیر زهبان، خواه مرد و خواه زن.

وقتی رهروی از خانه به بی‌خانگی می‌رفت از او انتظار می‌رفت که زندگی تجرد را پیش گیرد، از کار و پیشه دنیایی دوری گزیند و از دادوستد اقتصادی رو بگرداند. بعدها قواعدی برای زندگی دینی معین شد: ۲۵۰ دستور برای مردان رهرو (بیکشونی bhikshu) و ۵۰۰ دستور هم برای زنان رهرو (بیکشونی bhikshuni). به پیش‌نشینان یا پیروان غیر زهبان می‌آموختند که خانه‌خدای خوبی باشند، پیشه درستی پیش گیرند، یارمند دیگران باشند، و از راه کوشش آگاهانه، شرف و سعادت به چنگ آورند تا هنگام مرگ در بهشت زاده شوند. خصوصاً بر این پنج دستور تأکید می‌شد: (۱) مکش؛ (۲) دزدی مکن؛ (۳) کار خلاف اخلاق مکن؛ (۴) دروغ مگو؛ (۵) شراب منوش. جادو جنبل و فال‌گیری و رمالی شدیداً ممنوع بود، و به پیروان گفته بودند که مرجعیت و دها را انکار کنند و از آدابی که مستلزم قربانی است بپرهیزند.

در مسائل اقتصادی، از شخص خواسته می‌شد در آنچه کسب کرده با دیگران شریک شود، وام‌هایش را بپردازد، و سعی کند هرگونه مشکل مالی را بدون توسل به قدرت ستمگرانه بلکه با فراخواندن حین اخلاقی کسانی که درگیر آن مشکلند حل و فصل کند. به رهرو توصیه می‌شود که مدافع برابری تمام مردم باشد و نظام کاست را، که از نظر اجتماعی تبعیض‌گذار است، رد کند. در داخل انجمن (سنگه) دینی، که هم از کاست‌رانده‌ها

پریشانی و رنج نیز از میان خواهد رفت. این را به ژاپنی‌نگی (engi)، یا همزادی پیوسته یا مقید؛ تولید به هم‌بسته، یا زنجیر علی؛ سن.؛ پرتیت‌یه-سم‌اوت‌پاده (pratitya-samutpāda) خوانند. بوداییان به یک قادر متعال یا «اصلی اول» اعتقاد ندارند؛ در عوض فکر می‌کنند که ریشه وهم و پندار و بدین ترتیب، رنج، یک آرزوی کور است.

آنان که می‌خواهند از رنج آزاد باشند باید درباره [سه نشانه] رنج و نپایدگی و ناخود (آن‌آت‌من) و واقعیت به فهم روشنی (روشن شدگی) برسند. رسیدن به فراشناخت (پرنجیا prajñā) راستین، یعنی از میان رفتن هرگونه شهوت و دلبستگی، که ریشه پندار است. برای رسیدن به این، انسان باید یک انضباط روحی را بگذراند، دستورها را به‌جا آورد، و به تمرین دیانه (dhyāna)، یعنی نظاره درون یا مراقبه، بپردازد. فقط آن موقع است که انسان می‌تواند خود را از بندهای بی‌شمار خلاص کند و به آن آزادی برسد که نیروانه (nirvāna ژ. : نه‌هان nehan) خوانده می‌شود. باید از دو کرانه کام‌جویی و خودآزاری دوری جست و راه میانه نه رنج و نه خوشی را پیش گرفت. هم‌چنین آیین بودا بر مهر تأکید می‌کرد، و این آموزه را باید نه فقط درباره انسان‌های دیگر بلکه درباره تمام باشندگان تسری داد.

بودا چون به روشن‌شدگی رسید گروهی شاگرد‌گردش جمع شدند؛ این جمع اصول سازمانی سنگه (Sangha) را پذیرفت که عموماً آن را یک شکل حکومت متحد یا صنف می‌دانند. سنگه دینی مرکب بود از

درگذشت گئوتمه گردآوری شد لزوماً از نظر تاریخی برگردان امین تعالیم او را به دست نمی‌دهند.

گسترش آیین بودا — در قرن سوم ق.م، هند به رهبری آشوکا شاه، به شکل یک کشور متحد شد. آشوکا به منظور برچیدن ساختار کهنهٔ برهمنی از بوداییان حمایت کرد و آیین بودا در سراسر کشور گسترش یافت. کمابیش در همان ایام آیین بودا به دو گروه تقسیم شد، پیران محافظه‌کار (تیره‌وادین Theravādin)، که قصدشان حفظ قواعد سنتی بود، و دیگران که خواهان تغییرات گوناگونی در جامعه یا در نظم دینی بودند. این دو گروه خود به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم شدند، تا آن‌که در قرن اول ق.م در حدود ۲۰ فرقه شدند، و حامی هر کدام یک طبقهٔ نظامی یا بازرگان یا صنعتگر بود، که املاک بزرگ داشتند و حتی پول‌های هنگفت قرض می‌دادند. هر فرقه بنا بر دیدگاه خودش متن‌های مقدسش را تدوین کرد، و مشغول مطالعهٔ مسائل اعتقادی شد و رسالات حجیم در شرح تعالیم خودش (آبی‌دزمه Abhidharma) پدید آورد. این گروه‌ها تمایل به رستگاری خود داشتند و از نیازهای توده‌های مردم دور بودند. بعدها مخالفان این گروه آنان را «گردونهٔ کوچک» یا «راه کوچک» (هیئه‌یانه Hinayāna) خواندند. بودا در نظر توده‌های مردم موجودی برتر از انسان به شمار می‌آمد، محترم بود و احترام به استوپه (stupa، بنایی که در اصل برای نگهداری بقایای جسد بودا بود) رواج یافت.

و هم اعضای کاست‌های بافرهنگ را شامل می‌شد، مرتبهٔ رهرو با طول زمان تربیت روحی او از آغاز ورود به انجمن تعیین می‌شد. سَنگَه از نظر مالی از سوی بازرگانان ثروتمندی حمایت می‌شد که به برچیده شدن نظام کاست برهمنی معتقد بودند.

نظر آغازین بودایی دربارهٔ دولت، شکلی از نظریهٔ قرارداد اجتماعی بود، و بر این تأکید می‌کردند که شاه مقامش را از توافق مردم یافته است. مؤمنان آغازین عموماً از پادشاهان بیزار بودند و آن‌ها را به دزدانی مانند می‌کردند که از مردم بهره‌کشی می‌کنند. بعدها نظری دربارهٔ پادشاهی آرمانی آوردند که در آن دولت مطابق دَرمَه اداره می‌شد. گئوتمه مدافع یک شکل حکومت متحد بود. ادبیات آیین بودای آغازین در متن‌های پالی و در ترجمه‌های چینی، و نیز به‌طور پراکنده به سنسکریت موجود است. عقیده بر این است که پالی در اصل شاخه‌ای از زبان مگدّه باستان بود که بودا به آن سخن می‌گفت، و بعد به زبان کتاب‌های مقدس توسعه یافت. متن‌های پالی، که در سری‌لانکا، برمه (میانمار)، تایلند، کامبوج، لائوس، و در نقاط دیگر باقی مانده، مرکب از سه بخش اصلی یا سه سَبَد (تری‌پیتکه Tripitaka) است: وینیه (Vinaya) یا قواعد و توضیحات آن‌ها دربارهٔ تربیت و انضباط رهروان و پیروان؛ سووتره (سووتره/سوره Sūtra) یا گزارش‌های گفتارهای موعظت گئوتمه و نیز گفت‌وگوی او با شاگردانش؛ و شاستره Shastra که تفسیرها و رسالاتی است دربارهٔ بخش سووتره. چون این آثار پس از

(ژ: شوَمان کیو)، که مبلغ آیین بودای توده مردم بود؛ اَوْتَمَسْکَه سووْتَرَه (ژ: یکَه گون کیو)، که راه انسان دوستانه بوداسف وایدالیسم را تعلیم می دادند؛ سوْتَرَه های پاک بوم (Pure Land)، که مدافع عقیده به آمیتابه بودا (Amitābha Buddha، ژ: آمیدا) بود؛ و سوْرَه ینلوفر (سَددرمه - پوَنْدَریکه؛ ژ: هوگَه کیو یا هوگَه کیو)، که تعلیمش این است که اعمال بودایی گوناگونی به جا آورندگان را به کمال راهنمایی خواهند کرد و نیز می آموزد که در نهایت یک بودای جاودانه وجود دارد.

در این دوره دو مکتب اصلی فلسفی نیز در شاخه مهاییانه پیدا شدند. مکتب ماڈیمیکه (Mādhyamika)، که پایه گذارش ناگارجونه (Nāgārjuna، > ۱۵۰م - > ۲۵۰م) بود. این مکتب بر شوْبه نا (تهیت) تأکید می کرد که آن را بر اساس تولید بهم بسته (یا، زنجیر علی) و راه مانه روشنگری می کرد. مکتب دوم، یوگاجاره بود که وسوْتِنْدُو (قرن چهارم م) آن را به کمال رساند. بنابر تعلیم این مکتب، بنیاد وجود ما یک اصل معنوی، یعنی آلیه - وِیجیانَه (ālayavijñāna) است که همه چیز از آن نمودار می شود. پسینیان در شجره این مکتب یک فلسفه شناخت منطقی را توسعه بخشیدند که در کتاب دَرْمَه کیرتی (شک قرن هفتم م) به اوج رسید.

در ۳۲۰م دودمان گوْتَه تأسیس شد. یک رژیم فئودالی تمرکز یافته در سراسر هند توسعه یافت، و آیین بودا سا اس عاصر فئودالی و با آیین برهمنی که شاهد یک نوزایی بود، سازگار شد. این پیدایش مجدد آیین برهمنی با زوال تجارت خارجی، که با

پس از سقوط دودمان مئوریه (ح ۱۸۰م)، مهاجمان بیگانه از شمال غرب و شمال هند به فرماندهی مهاجمان گوناگون به هند سرازیر شدند. در دوره دودمان کوشانه (ح قرن اول - ح قرن سوم م)، دادوستدهای فرهنگی خصوصاً میان اقوام گوناگون بسیار رایج بود.

آیین بودای مهاییانه (Mahāyāna «گردونه بزرگ») در میان توده های مردم و تحت تأثیر چنین فعالیت ها و دادوستدهای چندجانبه فرهنگی فراوان توسعه یافت. مهاییانی ها به جز بودای تاریخی به سلسله ای از بودایان معتقد بودند - بودایانی از گذشته کیهانی و بودایان آینده، یا بوداسف هایی (Bodhisattva، ژ: بوساتسو Bosatsu) که رستگاری شان را تا رستگار شدن تمام شریعت به تأخیر انداخته بودند. بسیاری از پیکره های بودا، که در گندهازه و ماتورا تراشده شده اند، بازتاب روح این گروه نوحاسته است. اگرچه در آغاز بودایان مهاییانه هیچ بنیاد مالی مثل املاک بزرگ نداشتند مکتبشان سریعاً در میان توده های مردم رواج یافت، خاصه پس از آن که این مکتب اعمال دینی عامیانه را به خود پذیرفت.

چندین متن مهاییانی تدوین شد. اولین آن ها سوْرَه های پَرِحیا پارْمیا (Prajñā pāramitā، ژ: هان نیاکیو Hannyakyō) بودند که می آموختند همه چیز تهی است (سن: شوْبه نا؛ ژ: کوو / shūnyatā kū). به دنبال آن ها وِملَه کیرتی - نیردیشه - سووْتَرَه (ژ: بویماکو) و شری مالا دیوی - سیمهاناده سووْتَرَه

یافت و از آن‌جا هم در سراسر ناحیهٔ غربی پراکنده شد. در نپال هم آیین بودای مهاییانه، خصوصاً شاخهٔ خاص فهم آن، رواج یافت. این سنت متن‌های بودایی سنسکریت را تا امروز حفظ کرده است. در این آیین مردان دین اجازه دارند ازدواج کنند و موروئی بودن منصب روحانیت مجاز است.

از قرن هشتم آیین بودای مهاییانه، بیشتر به شکل آیین بودای خاص فهم، به تبت راه یافت و از آمیزش با باورهای عامیانهٔ بومی به چیزی توسعه یافت که عموماً به لامایسم یا آیین لامایی معروف است. در آیین لامایی یا آیین بودای تبتی، برخی لاماها («برتران») را تجسمات (تول‌کوها *tulku*) پیشینیانشان دانسته، می‌پرستیدند. دالایی لاما بر فعالیت‌های دینی و حکومتی هر دو فرمان می‌راند. آیین لامایی سرانجام حتی در سراسر مغولستان و ناحیهٔ جه‌هول شمال شرق چین گسترش یافت.

آیین بودا در قرن‌های اول و دوم میلادی پا به چین گذاشت. بنا بر یک افسانه، این معرفی در سال ۶۷م در عهد پادشاهی امپراتور مینگ از دودمان هِن پسین بود. در نتیجه، ادبیات بودایی از اصل سنسکریت (یا زبان بومی اش) به چینی ترجمه شد. در واقع بیشتر ترجمه‌ها از زبان دیگری به چینی برگردانده شده بودند. اما نخستین ترجمه‌ها همیشه به متن اصلی وفادار نبودند چراکه می‌خواستند از دیدگاه چینیان دربارهٔ وجود انسان یا از منطق کُنْفُوسیوسی پیروی کرده باشند، از این‌رو تعالیم بودایی تغییر یافت و بخش‌های بلند آن‌ها ساده شد. آیین بودایی

سقوط امپراتوری روم غربی پدید آمد، و با تأکید مجددش بر اقتصاد روستایی، که پشتوانهٔ اصلی آیین برهمنی بود، پیوند خورده است. بوداییان در سازش با این عناصر، تعالیم خاص فهمی (esoteric) را توسعه دادند که عناصر آیین برهمنی و نیز برخی پندارهای دینی عامیانه را به هم آمیخت. اما گرایش آیین بودای خاص فهم به جذب شدن در آیین هندو بود. در آغاز قرن دوازدهم، وقتی که هند به دست مسلمانان فتح شد، بسیاری از دیرهای بودایی ویران شد، و آیین بودا کمابیش از هند ناپدید شد.

گسترش آیین بودا در آسیا — آشوکا شاه مبلغان بودایی را نه فقط به کشورهای آسیایی بلکه به سرزمین‌های یونانی هم فرستاده بود. روشن نیست که این تلاش‌ها عملاً چه اثری بر غرب داشت، اما یک شاخه از آیین بودای تیرواده به سیلان (سری لانکای کنونی) برده شد و از آن‌جا به برمه، تایلند، کامبوج، و سایر سرزمین‌های آسیای جنوب شرقی رسید. سنت بودایی در این حوزه‌ها عموماً «آیین بودای جنوبی» خوانده می‌شود. این آیین به کهن‌ترین مجموعهٔ کتاب‌های بودایی که به زبان پالی نوشته شده، معروف به کانون پالی (Pāli Canon)، وابسته است. این کانون را بهترین نمایندهٔ هم‌عصر آیین بودای آغازین می‌دانند و هنوز در جهان بدان عمل می‌شود در نواحی کشمیر و گندهاره در شمال غرب هند، شجرهٔ تیره‌وادین، خصوصاً تعالیم سرواستی‌وادین (Sarvāstivādin)، عمومیت داشت. بعدها آیین بودای مهاییانه آن‌جا رواج

اشرافی سنتِ کُنْفُوسِیُوسی را از نو تدوین و از آن دفاع کردند (که معروف است به آیین نوکُنْفُوسِیُوسی)، از تعدادِ بوداییان این طبقه کاسته شد. سرانجام عضویت در این آیین محدود به مردم طبقات پایین شد. آیین بودا به تدریج تغییر کرد تا با شیوه تفکر چینی سازگار شود، یعنی کم‌تر نظری و بیشتر مجسم و عینی شد؛ بیان مستقیم و شهودی را بیش از نظریه انتزاعی می‌پسندید؛ و برای حفظ اخلاقی کُنْفُوسِیُوسی و گرایش به تمرکز توجه بر انسان و زندگی در جهان روزمره، رابطه انسان با دیگران را، در خانواده و در سلسله مراتب جامعه تأکید می‌کردند.

معرفی آیین بودا به ژاپن - بنا بر یکی از نخستین گاه‌نگاره‌های ژاپنی، یعنی نیهون شوکی (نوشته شده در ۷۲۰)، آیین بودا در سال ۵۵۲ از کره به ژاپن آورده شد، یعنی وقتی که پادشاه پائکچه رسولانی به دربار امپراتور ژاپن فرستاد، و این‌ها هدایایی با خود داشتند که «یک پیکره شاکیه‌مونی از طلا و مس، چند پرچم و چتر (که هر دوی این‌ها در آداب بودایی به کار برده می‌شد)، و تعدادی سوره بود. اما دانشمندان کنونی تاریخ معرفی رسمی آیین بودا به ژاپن را به‌طور دقیق‌تری پیش از این تاریخ و در یک تاریخ سنتی دیگر، یعنی در سال ۵۳۸ می‌دانند.

واکنش دربار ژاپن جورواجور بود. می‌گویند امپراتور از خوش‌حالی از جا پرید؛ برخی وزیرانش، خصوصاً خاندان سوگا، استدلالشان این بود که ژاپن باید نمونه

که در چین شکوفا شد بیشتر مهیانه بود: در میان به اصطلاح سیزده مکتب بزرگی که در چین تحول یافتند سه فرقه هینه‌یانه و مابقی همه فرقه‌های مهیانه بودند، از جمله پاک‌بوم (چ: جینگ‌تو یا چینگ-تو؛ ژ: جوودو (Jōdo)، چن (Chan، ژ: دُن Zen)، تیئن‌تایی (Tiantai، ژ: تِن‌دایی Tendai)، هُوَایِن (Huayan، ژ: که‌گون Kegon)، چِن‌یِن (Zhenyan، ژ: شین‌گون Shingon)، فاسیانگ (Faxiang، ژ: هوسو Hossō)، و سَن‌لُون (Sanlun، ژ: سان‌رون Sanron). هر فرقه‌ای به تعالیم گوناگون سوترها ارزش می‌نهاد و نظام اعتقادی خود را بر آن‌ها بنا می‌کرد. گاهی این‌ها حجت‌های فلسفی انتزاعی بودند اما گرایش به بازی با جنبه‌های ادبی کتاب‌های مقدس نیز عمومیت داشت.

پس از دودمان سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹)، خصوصاً فرقه چن (ژن) (که می‌گویند از قرن ششم یا پیش از آن در چین وجود داشته) رونق گرفت و به پنج خط و هفت فرقه تقسیم شد. بعداً آیین بودای چینی تا حدّ زیادی از مکتب چن بود با آمیزه‌ای از آموزه‌های آیین بودای پاک‌بوم و عناصری از باورهای عامیانه دائوی.

در آغاز آیین بودای چینی غالباً دین مهاجران هند و آسیای میانه بود. اما از نیمه دوم قرن سوم در میان چینیان گسترش یافت. در دوره دودمان تانگ (۶۱۸-۹۰۷)، که عموماً آن را عصر طلایی آیین بودا در چین می‌دانند، بسیاری از مردم طبقات بالا ترک جهان‌گفتند و به انجمن‌های بودایی پیوستند. از زمان دودمان سونگ، وقتی که متفکران



کشورهای متمدنِ دیگر را سرمشق قرار دهد؛ دیگران، خصوصاً خاندانِ مونونوبه و خاندانِ ناکاتومی، مدعی شدند که خدایان بومی از احترامی که به یک خدای بیگانه گذاشته می‌شود خواهند رنجید. پس از آن که سوگا در نبردِ مونونوبه را در هم شکست آیین بودا پذیرفته شد.

آیین بودا در عهدِ امپراتورِ یسِ سوییِ کو مشهور شد. نایب‌السلطنه‌اش، شاهزاده شوئوکو (۵۷۴-۶۲۲) ی مؤمن را بنیادگذارِ واقعی آیین بودای ژاپنی دانسته‌اند. او به خواهشِ امپراتورِ یسِ سوییِ کو دربارهٔ سه سورهٔ مهاییانه سخن گفت، و پس از آن تفسیرهایی بر آن‌ها نوشت. هم‌او دیرهایی بنا نهاد که هوریووجی یکی از آن‌ها است که کهن‌ترین بنای چوبی موجود جهان است.

در دورهٔ نارا (۷۱۰-۷۹۴)، آیین بودا تحتِ حمایتِ امپراتور شوئمو، دین دولتی شد. دیرهای رسمی شهرستانی (کوکوئوُن جی) در هر استانی تأسیس شد، و در تودای جی، سرِ دیرها، پیکرهٔ عظیمی از بودا (← دای بو تسو) بر پا شد. در این دوره شش مکتب از چین معرفی شدند و مطالعاتِ تعالیم بودایی با شوق و شور آغاز شد. فرقهٔ ریشو یا ریتسو (Ritsu / Rissshū) رعایت انضباطِ رهبانی شدید، و بالاتر از همه انتقالِ درست احکام مقدس را به عنوان مهم‌ترین اصولِ خود نگاه داشت. رهروانِ این فرقه سعی کردند به انضباطِ یک خطِ محافظه‌کار آیین بودای آغازین بچسبند، که شبیه انضباطِ تیره‌وادین‌ها در آسیای جنوبی بود. کانونِ توجه مکتبِ کوشا، که این هم از خطِ

محافظه‌کار بود، بر رسالهٔ کوشارون (سن: ابی‌ذرمه کوشه) ساخته و سوبندو بود. مکتبِ جو جیتسو (Jōjitsu)، مبتنی بر جو جیتسورون (سن: سَیتِه - سَیدی - شاستره Satya-siddhi-Shāstra) نوشتهٔ هری ورمَن (ح ۲۵۰ م - ح ۳۵۰ م) بود. مکتبِ سانرون برگرفته از مکتبِ ماذیمیکه در هند بود، این مکتبِ مهاییانه بر آموزهٔ شووینه‌تا (تهیت) تأکید می‌کرد. سانرون (اسه رساله)، چنان که از نامش پیدا است، مبتنی بود بر ماذیمکه - شاستره و دوا دَنه موهه - شاستره ناگارجونه و شته - شاستره آریه دیوه. فرقهٔ هوسو نمایندهٔ نوعی ایدالیسم بودایی بود برگرفته از مکتبِ یوگاچازه هند، که یک فرقهٔ مهاییانه بود. بنا بر این مکتب، هر چیز تجلی یا نمودارشدگی یک اصلِ بنیادیِ جان است که بنیادِ تمام نمودها یا پدیده‌ها است. فرقهٔ که گون مبتنی بر که گون کیو (سن: اوئَمسکه - سووتره Avatamsaka Sūtra) بود. پَرستهٔ اصلیِ این فرقهٔ مهاییانه، بوداویروچنه (Vairocana Buddha) بود. تمام این شش فرقه در درجهٔ اول دانش‌پژوه بودند، زیرا که حوزهٔ نفوذ آن‌ها محدود به رهبانان بود و به توده‌های مردم نمی‌رسید.

در آغازِ دورهٔ هی آن (Heian ۷۹۴-۱۱۸۵)، دو فرقهٔ تِن دایی و شین‌گون به ژاپن آورده شد. حتی این دو فرقه نیز با آن نظام‌های فلسفی بسیار توسعه یافته‌شان به‌خاطرِ آدابِ فرضامفیدشان ارزشمند بودند این‌ها در اصل از سوی طبقهٔ اشرافی حاکم حمایت می‌شدند. در آغازِ دورهٔ کاماکورا (۱۱۸۵-۱۳۳۳)، آیین بوداییِ ذن از چین

زادگاهش خلوت گزید. او به تدریج گروهی از یاران را به خود جلب کرد و دیرِ کوچکی آن جا بنا نهاد.

در ۸۰۴ امپراتور او را به چین فرستاد تا بهترین شکل آیین بودا را جست و جو کند. او مکتب تیئن تایی (ژ: 天臺) را در مقرش، و هم چنین مکاتب جنین (شین گون) و چن (ذن) را مطالعه کرد. سال بعد برگشت و با خود کتابها و دانش آورد. سرانجام دیرِ کوچکی که او بنا کرده بود شکل یک حوزه دینی به خود گرفت، به نام ئن ریاکؤجی، که سه هزار معبد داشت.

فرقه تِن دایی، که بر بنیاد سوره نیلوفر (ژ: 蓮華經 Hokkekyō) نهاده شده، آموزه اش این است که هر کسی می تواند بودا شود و هر کسی را برمی انگیزد که برای رسیدن به این مقصود مجاهده کند. اما برجسته ترین مشخصه تِن دایی خصلت جامع و نظام مند آن است؛ جایی برای تمام کتابهای مقدس دارد و آنها را مراتب مکاشفه ای می داند که بودا آن را مطابق فهم بالنده نیشندگانش به تدریج آشکار نموده است.

فهم عام مان به ما می گوید که اجزا وابسته به یکدیگرند و همه مبتنی بر کلند. اما آموزه (ژ: 圓教) به اصطلاح کامل و تمام مکتب تِن دایی از این اندیشه فراتر می رود و کل و اجزا را یکی می بیند. کل عالم و تمام بوداها در یک دانه شن یا نوک یک تار مو حاضرند. بنا بر یک حکم معروف، یک اندیشه سه هزار سپهر (یعنی، کل عالم) است، و سه هزار سپهر فقط یک اندیشه است. به بیان دیگر، رابطه هایی که در ساده ترین اندیشه



سربودا، از ناکسیل، پاکستان، قرن دوم میلادی.  
موزه ملی پاکستان، کراچی

معرفی شد که خصوصاً از سوی طبقه نظامی حاکم پذیرفته شد. فرقه های مردمانه نیچی رن و آیین بودای پاک بوم نیز در حدود همان زمان سازمان یافتند. بدین ترتیب تا قرن سیزدهم، تمام فرقه های اصلی آیین بودای ژاپنی که امروزه فعالند پیدا شده بودند: فرقه تِن دایی، فرقه شین گون، ذن، فرقه های پاک بوم، و فرقه نیچی رن.

فرقه تِن دایی. فرقه تِن دایی را سای چؤ (Saichō ۷۶۶-۸۲۲) زهبان، که به دن گیؤ دای شی هم معروف است، به ژاپن آورد. او در سال های آغازین عمرش دیرنشین گشت و در هجده سالگی (۷۸۵) زهبان شد، اما چون زندگی دینی نارا را دلخواه خود نیافت، شهر را ترک گفت و نخست در کوه هی ای (هی ای زان Hieizan) بیرون کیوتو و نزدیک

عقیده بر این است که او شکلی از خط اندکی دست‌کاری شدهٔ سنسکریت، معروف به سیّدِم (ژ. : شیتان) را به ژاپن آورد که در ستون‌های عمودی نوشته می‌شد و وسیعاً در کتاب‌های شین‌گون به کار رفته است. عقیده بر این است که پرّجِنیا با کشیشانِ نسطوری در کار ترجمه همکاری داشته و از طریق او بود که کُوکایِی شاید با مسیحیان تماس داشته است.

کُوکایِی در ۸۰۶ به ژاپن برگشت و در ۸۱۶ زمینی در کوه کُویا (کُویاسان) در استانِ کی‌یِی (اکنون استانِ واکایاما) به او دادند که در آن دیری بنا کند. او در ۸۳۵ در معبدِ کون‌گُوبُوجی در کُویاسان درگذشت. اما بنا بر سنتِ شین‌گون او نمرود بلکه فقط وارد یک حالتِ دیانه شد تا چشم‌به‌راهِ زمانِ ظهورِ مای‌تْرَه‌یَه (Maitreya، ژ. : میروکُؤ)، بودای آینده، باشد. در سال‌نامه‌ها و افسانه‌های آیین بودای ژاپنی، نامی پرآوازه‌تر از او نیست، او خواه در مقام یک قدیس، دانشمند، شاعر، خوش‌نویس، نقاش و خواه چون یک پیکرتراش برای تمام ژاپنی‌ها آشنا است.

شین‌گون به معنی «کلمهٔ حقیقی» است، یعنی وِرِدِ مقدس یا مَنْتَر (یا، مَنْتَرَه mantra). آیین‌های مرموز، حرکات و هجاها (سن. : دارانی) و نیز ترسیمات مقدس (مَنْدَلَه‌ها) را وسیعاً به کار می‌برند. این جلوه‌ها برای تودهٔ مردم ژاپن جاذبه داشت، چرا که آنان دینی می‌خواستند که از شرّ جلوگیری کند، از این رو فرقهٔ شین‌گون را پذیره شدند.

در شین‌گون آموزه‌های خاص فهم (esoteric) معینی هست که تنها به طور

هستند چندان بی‌شمارند که مستلزم کُلِّ عالمند، ادراکات و اندیشه‌های ما با واقعیتِ مطلق یکی‌اند. این ما را به نظریهٔ هستی‌شناسیِ تِن‌دایی می‌برد. هستی یا وجود سه مرتبه دارد: تهی (سن. : شووئیَه)، نپاینده [یا لحظه پای یا موقتی]، و میانه. هرچه هست بستگی به رابطه‌های متقابل دارد. اگر سعی کنیم که چیزی را جدا کنیم و آن را هم چون وجودی بدون هیچ رابطه در نظر آوریم در این صورت اندیشیدن به یک چنین حالتی ناممکن است، و در واقع چنین حالتی از هستی نیست است. اما چیزها به مثابهٔ اجزای سازندهٔ نپاینده یا موقتی کُلِّ وجود ندارند؛ کُلِّ اگر در اجزا یا در جزئی‌ها نمودار نمی‌شد سرشتِ حقیقیش را تحقق نمی‌بخشید. بنا بر این در این معنا، چیزها همه وجود نمودین دارند. چیزها بسته به نظر ما دربارهٔ بستگی یا نسبتشان وجود دارند یا ندارند، اما میانه به طور مطلق هستی دارد. چون نیک بنگریم، نموده‌ها یا پدیده‌ها و آن یک حقیقتِ مطلق مترادفند. هرگاه معنای هر یک از این سه به درستی فهمیده شود این همان روشن‌شدگی است که خودِ بودا به آن رسیده است.

فرقهٔ شین‌گون. آیین بودای شین‌گون را کُوکایِی (۷۷۴-۸۳۵) یا کُوبُو دای‌شی به ژاپن آورد. او سه چین رفت و دو سال (۸۰۴-۸۰۶) آن‌جا زیر نظرِ هوئی‌گُوئو، پیرِ مشهورِ معبدِ چینگ‌لونگ، در چانگ-آن، به مطالعهٔ شین‌گون پرداخت. هم‌چنین می‌گویند که او به هدایتِ یک رهبانِ هندی به نام پرّجِنیا به آموختنِ سنسکریت پرداخت، و

آمیذا بودا شده پس به سوگندهایش وفا خواهد کرد و هر که با خلوص و ایمان نامش را بخواند رستگار خواهد شد.

آیین بودای پاک‌بوم در قرن ششم به ژاپن آورده شد؛ از قرن دهم تا سیزدهم مکاتب بسیاری شکل گرفت: ریونین (۱۰۷۳-۱۱۳۲) فرقه یوژو و نیم‌بوتسو، هونین (۱۱۳۳-۱۲۱۲) فرقه جو‌دو، شین‌ران (۱۱۷۳-۱۲۶۳) فرقه جو‌دو شین، و ایچین (۱۲۳۹-۱۲۸۹) فرقه جی را بنیاد نهادند.

فرقه نیچی‌رن. فرقه بومی نیچی‌رن را نیچی‌رن (۱۲۲۲-۸۲) بنیاد نهاد، که پسر یک ناظرِ دون‌پایهٔ املاک بود. در سال‌های آغازین زندگی‌ش رهروی پیش گرفت، نخست در مکتب شین‌گون مطالعه کرد و سپس در مکتب تِن‌دایی، آن‌جا بود که به این نتیجه رسید که فقط به یک متن، یعنی، نیلوفر آیین نیک (سَدَدَرَمَه پُونْدَریکه- سووتره) یا سورهٔ نیلوفر نیاز است، و رهایی کشور از رنج‌هایش می‌تواند با عبادتِ درستِ سورهٔ نیلوفر و شاکیه‌مونی بودا به بهترین شکل حاصل شود.

نیچی‌رن پیامبرِ مادرزادِ دین بود؛ سراسر کشور را درنوردید، و به‌راستی بر طبلش می‌کوفت که مردم را به حقیقتِ سورهٔ نیلوفر بیدار کند. چون از فرقه‌های دیگر و نیز از حکومت سخت‌انتقاد می‌کرد چیزی نگذشت که با مراجع قدرت درگیر و گرفتار زنجیرهٔ دراز آزارها شد، اما هر بار به‌طور معجزه‌آسایی جان به در برد. شوق و شورش مریدان بسیاری را گرد او جمع کرد؛ و تا امروز شوق و شور دینی مشخصهٔ پیروان این فرقه است.

شفاهی از استاد به شاگرد می‌رسد. آن‌که هنوز تشرف نیافته نمی‌تواند مدعی فهم این تبیینات باشد. در آیین تشرف، که کان‌جو (یا کان‌چو؛ سن: ابی‌سیکه abhisheka) خوانده می‌شود، پشنگِ آبِ مقدس بر مُشْرِف زده می‌شود. چون این آداب به غسلِ تعمید مسیحی شباهت دارد برخی به غلط کان‌جو را «باپتیسیم» (تعمید) ترجمه کرده‌اند. موقعی که کسی عضو فرقه می‌شود پشنگِ آبِ مقدس بر او نمی‌زنند، بلکه این کار شکلی از تشرف به اسرارِ بالاتر است، و آن را یک امتیازِ استثنایی به شمار می‌آورند.

آیین بودای پاک‌بوم. آیین بودای پاک‌بوم (Pure Land Buddhism) در قرن اول یا دوم میلادی در هند پیدا شد. بنیادش بر سوره‌های سوکاوتی-ویوهه و آمینایوردانه-سووتره بود. این سوتره‌ها از بهشتِ خاوری پاک‌بوم (سن: سوکاوتی؛ ژ: گوکوراکو) سخن می‌گویند و عقیده بر این بود که مؤمنان پس از مرگ در آن بهشت زاده خواهند شد و این پاداشِ ایمان و کردارهای نیکِ آنان است.

رستگارکنندهٔ این مکتب آمیذا (سن: آمیتابه) یا بودای فروغ بی‌کران است که در پاک‌بوم اقامت دارد. آمیذا در گذشته، وقتی که هنوز بوداسف بود، ۴۸ سوگند خورد که هجدهمین سوگندش این است: «اگر من به بودابیت برسم تمام موجودات در ده گوشهٔ [عالم] باید با ایمانِ پاک‌دلانه آرزو کنند که در بوم من (یعنی، پاک‌بوم) زاده شوند، و اگر با ده بار اندیشیدن به من زاده نشوند من به برترین روشن‌شدگی (یعنی، بودا شدن) نخواهم رسید.» مؤمنان می‌گویند اکنون که

کیوتو و پنج معبد کاماکورا (گوزان) متمرکز بود، در میان طبقهٔ ساکام، از جمله جنگاوران (ساموورایی) و نیز نجبای درباری حامیانی یافت. از سوی دیگر، فرقهٔ سوئو نخست در میان خاندان‌های نیرومند شهرستانی پیروانی یافت، اما پس از آن که کی‌زان جوکین (۱۲۶۸-۱۳۲۵)، بنیادگذار سوچی جی، آیین‌هایی را از فرقهٔ شینگون خاص فهم پذیرفت، فرقهٔ سوئو سریعاً در میان توده‌ها رواج یافت.

در دورهٔ ئەدو (۱۶۰۰-۱۸۶۸) این‌گن (چ): بین یوان؛ ۱۵۹۲-۱۶۷۳)، رهرو چینی، ذن دیگری از چین آورد و فرقهٔ ثوباکو را بنیاد گذاشت. آداب این فرقه کمابیش با اعمال فرقهٔ رینزایی یکی بود، اما آدابی از آیین بودای پاک‌بوم را نیز در خود داشت، چون که مکتب چن در عهد دودمان مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴) ایمان به آمیدا بودا را جذب کرده بود.

در دورهٔ شوگون‌سالاری توکوگاوا از آیین بودا و شبکهٔ معابدش برای از میان بردن مسیحیت استفاده کردند. اما خود این آیین نیز زیر نفوذ ضوابط شدید شوگون‌سالاری درآمد. تقسیمات فرقه‌ای، که در زمان‌های پیشین برقرار شده بود، ادامه یافت و سازمان گروه‌های دینی گوناگون قویاً تثبیت شد. اعتقادات مکاتب گوناگون نیز به صورت رسمی درآمد. هر جنبش اصلاحی که هدفش نظام سیاسی توکوگاوا و یا نظام اندیشه‌هایی بود که او از آن حمایت می‌کرد تقریباً از هیچ حمایتی در داخل آیین بودا برخوردار نمی‌شد، اگرچه نشانه‌هایی از اندیشهٔ تجدد وجود داشت مثل اخلاق شغلی سوزوکی

پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از گروه‌های دینی، معروف به شینکو شوو کیو (دین‌های نو)، سازمان یافت. برخی از بزرگ‌ترین این گروه‌ها (سوکا گکای، ریشو کوسه کای، ری‌یو کای، میوچی کای، و مانند این‌ها) تعالیم نیچی‌رن و سورهٔ نیلوفر را به کار می‌برند، و ذکر دایموکو، یعنی، «نامو میوهو رن‌گه کیو» («من به سورهٔ نیلوفر آیین نیک ایمان دارم») را می‌پذیرند.

آیین بودای ذن. ذن به عنوان یک شکل خاص آیین بودا، نخست در چین پیدا شد و یک صورت خصوصاً چینی آن نوع آیین بودا بود که بودی‌دژمه (ژ. داروما)ی فرزانه آن را در حدود ۵۲۷ از هند [یا، ماورالنهر] به چین برد. آیین بودای بودی‌دژمه شکلی از مه‌ایانه بودا که بر دیانه (چ: چن؛ ژ. ذن) متمرکز بود. نزدیک‌ترین برابرنهاد برای واژهٔ دیانه، نگرش و نظارهٔ درون یا مراقبه است، اما این‌ها چندان رسانای معنای دیانه نیستند. دیانه بینش بی‌واسطهٔ به سرشت واقعیت یا حیات است. آیین بودایی دیانه در چین قویاً زیر نفوذ آیین دائو و آیین کنفوسیوس بود و در قرن هفتم به شکل پیکره‌ای از اعمال دینی که ما امروزه می‌شناسیم پدید آمد.

ای‌سای (۱۱۴۱-۱۲۱۵) زهبان‌تین‌دایی نخستین بار آیین بودای دیانه یا چن را در ۱۱۹۱ از چین به ژاپن معرفی کرد. آیین بودایی ذن او فرقهٔ رینزایی خوانده می‌شود. شکلی که دوگن (۱۲۰۰-۱۲۵۳)، که او نیز در چین مطالعه کرد، به ژاپن آورد به فرقهٔ سوئو معروف است.

فرقهٔ رینزایی که در پنج معبد اصلی

صاحب‌کرامت، پرستش بنیادگذاران فرقه‌های گوناگون رواج یافت. هر فرقه‌ای یا مکتبی گرایش به بسته بودن دارد و بر شجره‌ استاد-شاگرد تأکید نالازمی می‌کند.

آیین بودای ژاپنی ژاپنی خصلتی ناعقل‌اندیش دارد. ژاپنی‌ها عموماً به بحث نظری عقل‌اندیشانه رغبتی نشان نمی‌دهند، و در دین نیز در توسعه بخشیدن به یک نظام اعتقادی بزرگ کامیاب نبوده‌اند. آنان می‌خواهند پاسخشان به پیام رستگاری بخش آیین بودا بیشتر شهودی و عاطفی باشد. چون محاکات نمادین ساده را ترجیح می‌دهند به نوآوری‌هایی چون نامو آمیدا بوئسو («من به آمیدا بودا ایمان دارم») یا نامو میوهو ینگه کیو («به سوره نیلوفر آیین نیک ایمان دارم») کشانده شده‌اند.

مشخصه دیگر، گرایش به پذیرش کارها است چنان که هستند. بوداییان ژاپنی در پی آنند که مطلق (بودا) را از طریق چسبیدن به جهان نمودین بفهمند، که نتیجه‌اش تمایل به یکسان دانستن جهان یا خود فردی با آن فرجامین است. در نتیجه، ژاپنی‌ها عموماً از خود تساهل دینی نشان می‌دهند، اما در عین حال میلی به روبه‌رو شدن با مسائل ندارند. دیگر آن که گرایش انضباط دینی و قواعد دیرنشین به تحکیم و تقویت نبود بلکه گذاشت منحرف و تباه شود.

سرانجام آن که بلندنظری زیادی به سازگاری با آداب شمعی باستان، و بیش از آن با کیش بومی شین‌تو در آیین بودای ژاپنی وجود داشته است. آیین بودا خیلی زود با شین‌تو به تفاهم و هم‌زیستی رسید. حتی

شو‌سان. هم‌چنین باید از همه‌فهم کردن ذن از سوی شیدو بونان (۱۶۰۳-۷۶)، باز که یوتاکو (۱۶۲۲-۹۳) و هاکوین (۱۶۸۵-۱۷۶۹)، و نهضت بازگشت به معنای حقیقی آیین بودا چنان که در متن‌های اصیل سنسکریت تجلی یافته، به رهبری فوجاکو (۱۷۰۷-۸۱)، کای جو (۱۷۵۰-۱۸۰۵) و جیون ئونکو (۱۷۱۸-۱۸۰۴) یاد کرد. پس از بازگشت می‌جی (۱۸۶۸) حکومت در صدد برآمد که شین‌تو را دین ملی بداند، و همین باعث شد که بسیاری از معابد بودایی برچیده شود. از آن پس سازمان‌های بودایی می‌بایست برای بقایشان بجنگند و با تحولات عصر جدید سازگار شوند، و در میان روحانیان بودایی خوردن گوشت و ازدواج عمومیت پیدا کرد.

مشخصات آیین بودای ژاپنی - چند مشخصه آیین بودا که به طور متمایزی ژاپنی‌اند چشم‌گیرند. اول آن که آیین بودای ژاپنی گرایشی به تأکید بر اهمیت نهادهای انسانی دارد. آن‌جا که آیین بودای هندی و تا حدی هم چینی گرایش به زهد و ریاضت داشتند آیین بودای ژاپنی بر اخلاق عملی و اخلاقی کاری همراه با آن تأکید کرده است. آیین بودا در هر سطح از جامعه پیچیده و سلسله‌مراتبی ژاپن درگیر شده بر اهمیت مناسبات انسانی، اصول اخلاقی خانوادگی، و احترام به نیاکان تأکید می‌کرد. هم‌چنین گرایش به آن داشت که به نام چین‌گو کوگا، یا صلح ملی از طریق انضباط دینی، با گرایش‌های ملی‌گرا سازش کند. هم‌سو با تمایل ژاپنی‌ها به احترام نهادن به شخص

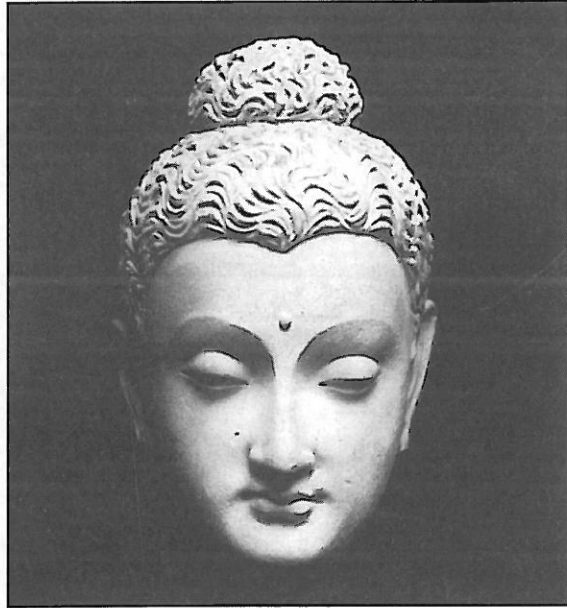
چندین کالج و مؤسسه در کیوتو و توکیو اساساً وقف مطالعهٔ الهیات بوداییند.

البته می‌توان بر آیین بودای کنونی این انتقادهای را روا دانست: نفوذ بودایی روی روشن‌فکران ژاپنی کمابیش ناچیز است؛ جزییات آن برای مردم قابل فهم نیست؛ و مردم چندان تعلق فعالی به این دین نشان نمی‌دهند. روحانیان در آیین‌ها سوتره‌ها و کتاب‌های مقدس را با وقار درخوری می‌خوانند، اما این‌ها کلماتی میان‌تهی به نظر می‌آیند.

آرمان‌های بودایی زندگانی انسانی از یاد رفته است، و این دین را چندان دارای ارزش معنوی یا اخلاقی نمی‌دانند. اگرچه شمار انتشارات دربارهٔ این دین رو به افزایش است، اما شمار دین‌پژوهان رو به کاهش است.

پیش‌گویی چندوچون چشم‌انداز آیندهٔ آیین بودا در ژاپن دشوار است، چون تاحد زیادی بستگی دارد به کوشش‌های خود بوداییان ژاپنی، چه روحانیان و چه پیروان، و نیز کوشش‌های دانشمندان. مطالعهٔ علمی فلسفهٔ بودایی، که در سال‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی در ژاپن کرده است هنوز خیلی دور از فهم عام مردم است چرا که گرایش برخی دانشمندان به تمرکز بر جنبه‌های فنی این جزم است.

اما نشانه‌های نویدبخشی برای بقا پدید



سربودا، از بیه کلان، افغانستان، هنر گندهاره، در حدود قرن چهارم میلادی.

موزهٔ کابل

امروزه هم ژاپنی‌ها هیچ تناقضی در این نمی‌بینند که در آن واحد هم بودایی باشند و هم شین‌تویی. گرچه معابد بودایی (ته‌را) و ایزدکده‌های شین‌تویی (جین‌جا)، و نیز پرستاران هر دو دین سخت با هم فرق دارند، اما اندکند پرستندگانی که خود را پیوستگان یک دین دانسته آن دیگری را طرد کنند. در واقع کاری غیرعادی نیست که یکی به شیوهٔ شین‌تو ازدواج کند و به شیوهٔ بودایی دفن شود.

آیین بودای ژاپنی امروز - از نظر آماری، ژاپن کشور بوداییان است. بیش از شش هفتم جمعیت معتقد به ایمان بودایی‌اند. آیین بودا در ژاپن، به ۱۳ فرقهٔ اصلی تقسیم می‌شود که ۸۰/۰۰۰ معبد و ۱۵۰/۰۰۰ روحانی دارند.



کتاب‌های مقدس تبتی را یک مؤسسه ژاپنی چاپ کرده است، و یک کتاب‌نامه کامل مقالات بودایی که در کشورهای گوناگون چاپ شده اکنون به ژاپنی چاپ شده است، و دانشمندان و دانش‌پژوهان از آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا، و کشورهای آسیایی، مثل هند، چین و سری‌لانکا، برای مطالعات بودایی به ژاپن می‌آیند. چندین گروه سازمان‌های کمک به پناهندگان و برنامه‌هایی برای کمک به کشورهای درحال توسعه آسیایی برای بهبود بخشیدن به استانداردهای زندگی‌شان ترتیب داده‌اند، و بوداییان در تلاش برقراری صلح در جهان فعال بوده‌اند.

آمده است. سازمان‌های جدیدی برای عمل و گسترش راه بودا در نقاط گوناگون شکل گرفته است. شمار موعظه‌ها و سخنرانی‌ها، کتاب‌های بودایی، و حتی کودکان‌ها و مهدکودک‌هایی که روحانیان بودایی آن‌ها را می‌گردانند رو به افزایش است. بسیاری از دین‌های نو که از جنگ جهانی دوم پیدا شده‌اند مبین تأثیرات بودایی‌اند. فعالیت‌های بین‌المللی بوداییان ژاپنی نیز منظم‌تر و به افزایش است. مبلغانی به خارج می‌فرستند، خصوصاً به آمریکای شمالی. کتاب‌ها و مقالات بسیاری به زبان‌های غربی چاپ و نشر می‌کنند، و دانشمندان ژاپنی با دانشمندان بیگانه در تدوین دانشنامه‌ها به زبان‌های غربی همکاری می‌کنند. تمام مجموعه

